

الگوهای رفتاری حضرت زهرا(س) در خانواده

نویسندگان: اعظم نوری

منبع: نامه جامعه ۱۳۸۸ شماره ۵۷

چکیده

از مهم ترین شیوه های تعلیم و تربیت، روش الگوگیری است. اسلام هم برای تربیت و تعالی انسان ها، بر این اصل مهم تأکید نمود؛ زیرا شخصیت الگو، به عنوان یک نقطه ی کانونی در محور رشد و هدایت های اخلاقی تربیتی قرار می گیرد و در شکل گیری رفتار تربیت شونده، آثار زیادی بر جای می گذارد. به همیت دلیل قرآن کریم الگوهای صحیحی را تعیین نموده و بر پیروی از ایشان سفارش کرده است. از سوی دیگر نیاز به الگو، از نیازهای طبیعی بشر است و انسان را وادار می دارد تا با در نظر داشتن الگوی مورد نظر، تلاشی هدف دار و آگاهانه برای رسیدن به ویژگی های رفتاری و اخلاقی الگو در پیش گیرد.

قرآن کریم، رسول گرامی اسلام(ص) را الگوی شایسته و اسوه ی حسنه ی مؤمنان معرفی کرده است، در این الگوگیری فرقی میان زن و مرد نیست، اما به دلیل خُلق و خوی و مسئولیت های خاص زنانه، لازم است زنان از جنس خود هم، الگویی داشته باشند تا از نظر پذیرش الگو و روشن شدن مصادیق اسوه پذیری، به راه و رسم و سیره ی اخلاقی و خانوادگی او اقتدا کنند. پیامبر(ص) خود در سخنانش، فاطمه(س) را از وجود خود می داند و بارها در جمع مؤمنین می فرماید: فاطمه(س) پاره ی تن من است. وجود فاطمه(س) از وجود رسول خدا(ص) جدا نیست و سیره ی او جلوه ی دیگری از سیره ی پیامبر است، پس فاطمه(س)، ادامه ی راه و سیره ی رسول خدا(ص) در همه ی زمینه هاست از جمله بندگی خدا، تقوا و عبادت، حجاب و عفاف و...، اما آنچه در زندگی کوتاه حضرت، برای اسوه پذیری خاص زنان از ایشان بیشتر مبتلور شده است سیره ی حضرت، در عرصه ی خانواده و همسرداری و تربیت فرزندان است. امام باقر(ع) در عظمت و جلالت مادر بزرگوارش فاطمه(س) می فرماید:

لَقَدْ كَانَتْ ۳ مَفْرُوضَةً الطَّاعَةَ عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ [۱]؛ اطاعت فاطمه(س) بر تمام بندگان الهی از جن و انس، پرنندگان و حیوانات، پیامبران و ملائکه واجب است.

امام زمان هم وجود مقدس حضرت فاطمه(س) را، اسوه ی نیکوی خویش دانسته و فرموده اند: و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة([۲])؛ همانا دختر رسول خدا(ص) برای من الگویی شایسته است.

رویارویی با ازدواج و مقدمات آن

بینش توحیدی و مرتبه ی ایمان افراد در تمام زندگی آن‌ها متبلور می شود و هر کس به اندازه ی معرفت و بندگی اش در برابر خدا، رفتار خود را سامان می دهد. در زندگی فاطمه(س)، خدا محوری بیش از هر چیز دیگر به چشم می خورد و در تمام جلوه های رفتار و گفتار ایشان حضور دارد. تا آن جا که در زندگی خانوادگی، تمام تقاضاها و گفتار و رفتارها را با رضایت خدا می سنجید و همواره رضایت خدا را بر رضایت و راحتی خود مقدم می کرد و می فرمود: اللهم انی استلک بما تحب و ترضی([۳]) این اصل مهم در زندگی حضرت زهرا(س) در زمینه ی ملاک انتخاب همسر، مهریه و جهیزیه نیز دیده می شود. با آن که خود به بالاترین مراحل رشد و تکامل معنوی رسیده بود، به دنبال رهبانیت یا رفاه نبود و ازدواج را در راستای فرمان برداری از پروردگار ضروری می دانست. زمانی که به همسری علی(ع) درآمد و به خاطر فقر ایشان، مورد سرزنش و طعنه ی زنان قریش قرار گرفت، بعد از آن که جریان را به عرض پیامبر(ص) رساند، سر به آسمان بلند کرد و فرمود: رضیت بما رضی الله و رسوله([۴])؛ راضی شدم به آن چه خدا و رسول خدا(ص) به آن راضی شدند.

در حسن معاشرت با همسر هم رضایت خدا مقدم بود. روزی که علی(ع) از وی پرسید: چرا از رنج گرسنگی و بی غذا ماندن خانه وی را خبردار نکرده، فاطمه(س) در پاسخ فرمود: یا ابالحسن انی لاستحیی من الهی ان اکلف نفسک مالا تقدر علیه([۵])؛ ای ابالحسن! من از خدای خود شرم می کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی. و نفرمود من از تو که همسر هستی شرم می کنم.

فاطمه(س)، در اوج علاقه ای که به همسرش داشت باز هم محبت و رضای خدا را بالاتر می دانست در فرازهایی از مناجات او آمده است: یا رب لیست من احد غیرک تثلج بها صدري و تسربها نفسی و تقربها عینی([۶])؛ خداوند، احدی به جز تو سینه ام را خنک نمی کند و نفسم را مسرور نمی نماید و هیچ کس جز تو چشم مرا روشنی نمی دهد.

فاطمه(س) عواطف مادری و محبت به فرزندان را نیز زیر مجموعه ی محبت و رضایت خداوند قرار می دهد، وقتی پیامبر(ص) او را از حوادث جانسوز کربلا و شهادت امام حسین(ع) با خبر می کند ایشان آیه ی

استرجاع می خواند و می فرماید: یا اَبْتِ سَلَمَتُ و رَضِیْتُ و تَوَكَّلْتُ عَلَی اللَّهِ ([۷]); پدرجان، من تسلیم شدم و رضایت دادم و به خدا توکل می کنم.

مطلب دیگر این است که غالباً زنانی که از کانون خانواده و همسر و فرزندان خود راضی هستند، دلبستگی شدیدی به آن ها پیدا می کنند، ولی فاطمه(س) در طول زندگی خود با امیرالمؤمنین(ع) و داشتن فرزندانی همچون امام حسن و امام حسین ۸، با وجود تلاش برای گرمی کانون خانواده، همواره در برابر پروردگارش خضوع و خشوع داشت:

رَضِیْتُ بِاللَّهِ رَبًّا و بَكَآ یَا اِبْتَاهُ نَبِیًّا و بَابِنِ عَمِّی بَعْلًا و وَلِیًّا ([۸]); خشنودم که خداوند پروردگار من است و تو ای پدر پیامبر من و پسرعمویم علی شوهر و امام من است.

بینش الهی در نگرش به خانواده، از عوامل مهمی است که سبب عملکرد و موفق زن یا مرد در عرصه ی خانواده می باشد. بینش ها، روش ها را می آفرینند و نگاه مقدس به خانواده و این که فرد پیش از هر چیز تنها خدا را در نظر بگیرد، موجب می شود سختی های زندگی و مشکلات اجتماعی که هر خانواده ای کم و بیش به آن دچار می شود، بر او آسان جلوه می کند.

مهم ترین باور دینی، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. توحید و خداپرستی موجب هدفمندی و معنی دار بودن نگرش انسان به زندگی، می شود و رفتارها را در جهت تسلیم و رضای خداوند سوق می دهد. همچنین فردی که خدا را ناظر بر رفتار خود می داند، در برخورد با همسر و اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت خدا را در نظر می گیرد و حق هیچ کس را پایمال نمی کند.

افرادی که از هوای نفس دور هستند، اخلاق شایسته و انجام وظایف خانوادگی را، عبادت و کسب رضایت الهی می دانند در نتیجه زندگی آن ها با صفا و صمیمیت تداوم دارد. بنابراین اولین درس از زندگی فاطمه(س)، نگرش توحیدی به کانون خانواده است که آن را به استوارترین نهاد اجتماعی مبدل می کند.

یکی دیگر از اصول اولیه در ازدواج، رضایت طرفین است. در صورت ناخشنودی یکی از زوجین، بنیان ازدواج، مستحکم نخواهد بود، زیرا داشتن خانواده ای سالم و استوار و همراهی با همسری همدل و هم زبان، مهم تر از تشکیل خانواده است. اگر دختری به اجبار خانواده یا شرایط خاص اجتماعی اقتصادی

ازدواج کند و خود تمایلی به اصل ازدواج با طرف مقابل نداشته باشد طولی نمی کشد که طوفان اختلافات و نارضایتی ریشه های این خانواده را متزلزل کند.

پیامبر اکرم(ص)، هنگام خواستگاری علی(ع)، رضایت فاطمه(س) را در نظر می گیرد.

در روایتی از علی(ع) آمده است: پس از آن که پیامبر(ص)، تقاضای ازدواج مرا با دختر خویش فاطمه(س) در میان گذاشت، آن حضرت سر به زیر افکند و چیزی نگفت، رسول خدا(ص) دریافت که فاطمه(س) ب این ازدواج موافق است. آن گاه فرمود: سکوت او نشانه رضایت اوست.[۹] در روایت دیگری آمده است که فاطمه(س) رضایت خود را این گونه اعلام فرمود: رضیتُ بما رضی الله و رسوله [۱۰]؛ من به آن چه که خدا و رسولش راضی و خشودند راضی هستم. سؤال و نظرخواهی پیامبر اکرم(ص) از فاطمه(س)، خود دلیل روشنی بر اهمیت رضایت و میل به ازدواج است، زیرا اگر محبت و علاقه وجود نداشته باشد، زمینه ی نارضایتی و ناسازگاری از همان ابتدا فراهم می شود.

کفویت در ازدواج

از دیگر نکات مهم در امر ازدواج، توجه به اصل همانندی و کفویت است که این امر در ازدواج فاطمه(س)، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. البته بر طبق تعالیم اسلامی این همانندی و کفویت، بیشتر در خصوص ایمان و اخلاق است و ملاک های قوی، طبقاتی و اقتصادی مورد نظر نیست.

فاطمه(س) در مراتب ایمان و تقوا، کفو و هم تایی جز امیرالمؤمنین(ع) نداشت، به همین دلیل وقتی فاطمه(س) به سن ازدواج رسید و اکثر بزرگان و شخصیت های برجسته ی عرب، به خواستگاری ایشان آمدند، رسول خدا(ص) با جواب منفی همه را مأیوس کرد و در برابر اصرار آن ها خشمگین شد. [۱۱] اما در ازدواج علی(ع) با فاطمه(س) فرمود: لولا أن الله خلق فاطمه لعلى ما كان لها على وجه الأرض کفو [۱۲]؛ اگر این نبود که خداوند علی(ع) را برای فاطمه آفریده است، در روی زمین کفو و هم تایی برای او پیدا نمی شد.

بنابراین یکی از عوامل موفقیت در ازدواج، هم تایی زوجین است که با توجه به روایات این هم شأنی و کفویت، به معنای هم تایی در ایمان و ارزش های اخلاقی است: (الطيباتُ للطيبينَ والطيبونَ

لِلطَّيِّبَاتِ ([۱۳]) این امر باعث رضایت زوجین در فضای مشترک و دوری از اختلافات می شود و در غیر این صورت ممکن است هر یک از زوجین یا هر دو، همسرشان را لایق همسری خود نبینند.

بی توجهی به ظواهر مادی و ارزش های کاذب در ازدواج

ازدواج امر مقدسی است، توجه به ارزش های ظاهری در مقدمات ازدواج نظیر مهریه، جهیزیه، برگزاری مراسم و تشریفات ازدواج و ... زمینه را برای بروز کدورت ها و مشکلات خانوادگی به وجود می آورد. گاهی به واسطه ی سنگینی مراسم ازدواج، ارزش های حقیقی از بین می روند و در آغازین ساعات زندگی مشترک، مشکلات و اختلافات فراوانی به وجود می آید.

فاطمه (س) زمانی به ازدواج با امام علی (ع) پاسخ مثبت داد که علی (ع) هیچ سرمایه ای نداشت و تنها دارایی او برای ازدواج، یک زره بود که آن هم صرف تهیه ی وسایل ضروری زندگی مشترکشان شد که عبارت بود از: حصیر، لیوان، گلیم، کوزه، آسیاب دستی، مشک، پوست گوسند، پرده و... ([۱۴]).

بنابراین رسم جهیزیه و این که زن موظف باشد هنگام رفتن به خانه ی شوهر، تمام وسایل زندگی را با خود ببرد هیچ ریشه ی اسلامی و شرعی ندارد، بلکه تنها یک سنت است.

جهیزیه ی فاطمه (س) بسیار ساده و اندک بود. هنگامی که جهیزیه ی فاطمه (س) را نزد پیامبر آوردند، پیامبر گریست و دست به دعا برداشت و فرمود: خدایا مبارک کن این جهیزیه را که اغلب آن از گل است. ([۱۵])

مراسم ازدواج فاطمه (س) همراه دعا و اطعام فقرا و صدقه و نیز تهلیل و تکبیر به جای غنا و ساز و آواز بود. علی (ع) می فرماید: رسول خدا (ص) وقتی دخترش را به ازدواج من درآورد، نزد من آمد و فرمود: با نام خدا برخیز و این ذکر را بخوان: علی برکه الله، ماشاء الله ولاقوه إلا بالله، توکلت علی الله... سپس مرا در کنار فاطمه نشانند و فرمود: خداوندا اینان محبوب ترین مردم در نزد من می باشند آنان را دوست بدار و خیر و برکت به فرزندان آن ها عطا کن و آنان را از هر آسیبی حفظ کن. من آن ها و فرزندانشان را از شرّ شیطان فریب کار به تو می سپارم. ([۱۶])

مستحب است در مراسم عروسی غذایی تهیه شود و جمعی را اطعام کنند. ولیمه ی ازدواج فاطمه (س) نیز بسیار مبارک بود، زیرا فقیران مدینه آن شب میهمان این جشن و سرور بودند. مراسم عروسی هم خالی از

سرور و شادمانی نبود، پیامبر(ص) هنگام بردن عروس به خانه ی داماد، به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار فرمان داد که همراه فاطمه(س) بروند، شادمانی کنند و تکبیر و تحمید بگویند، اما چیزی نگویند که خداوند راضی نباشد. طبق روایات، اشعاری که خوانده می شد در عین شادمانی، پر محتوا و همراه با تکبیر و ستایش الهی بود.

با توجه به سنت رسول اکرم(ص) و دختر بزرگوارش، اصل شادی در مراسم ازدواج، امری قابل قبول است. اما همیشه به معنای وجود گناه و غنا و آوازخوانی با لهو و لعب نیست. اسلام دین اعتدال است، هرگز شادی و خنده را منع نمی کند و همان طور که ذکر کردیم جشن و شادمانی در مراسمی مانند ازدواج، از سنت های ائمه ی معصومین: به شمار می رود. اما اگر این مراسم، همراه با غنا و لهو و لعب باشد، به قداست و معنویت خانواده ی نوپا آسیب می رساند و آن ها را به ارزش های باطل و دروغین سوق می دهد. فاطمه(س) در شب ازدواج، در آغازین لحظات زندگی مشترک در پاسخ امیرالمؤمنین(ع) که پرسیدند: به چه می اندیشی؟ فرمودند: هم اکنون در مورد حال و سرنوشت خویش می اندیشم. به یاد پایان زندگی این سرا، غروب لذت های آن و فرود به قبر افتاده ام، می اندیشم که امروز از خانه پدر به خانه شما آمده ام و روزی دیگر از خانه شما به سوی آرامگاهم خواهم رفت، پس از این رو بپاخیز تا در بارگاه خدا به نماز بایستیم و این شب آغاز زندگی مشترک را عبادت کنیم. [۱۷]

این سخن فاطمه(س) علاوه بر آن که نشان دهنده ی حالات معنوی و تکیه و توجه بر خدا در شب ازدواج است، از یقین و اعتماد حضرت، از دوام و استحکام نهاد خانوادگی شان حکایت می کند، این که فاطمه(س) فرمودند: من امروز از خانه ی پدر به خانه ی شما منتقل شدم و روزی هم از این خانه به جایگاه ابدی، قبر، پا می گذارم، بیان این است که از علی(ع) جز با مرگ جدا نمی شود و چیزی جز مرگ هم نمی تواند انس و همراهی شان را از بین ببرد اگر زوجین زندگی مشترک را با ثبات قدم و اطمینان شروع کنند و مطمئن باشند پیوند آن ها دائمی و همیشگی است، باعث استحکام نهاد خانواده و حُسن روابط طرفین خواهد شد.

همسرداری فاطمه(س)

پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: جهاد المرأةُ حسنُ التَّعبَلِ [۱۸]؛ جهاد زن همسرداری نیکوی اوست. پیامبر(ص) این سخن را در جواب زنانی دادند که از ایشان سؤال کردند: چرا همه ی فضیلت ها مخصوص

مردان است و باب جهاد و شهادت به روی ما بسته شده است، ما چگونه می توانیم از ثواب این فضیلت عظیم بهره مند شویم؟. علت این که همسر داری نیکو برای زنان، مساوی و هم تراز با جهاد و از جان گذشتگی مرد دانسته شده است، عظمت و حساسیت موقعیت و نقش زن در خانواده و در برابر همسر است.

کلید آرامش، انضباط، استحکام و صمیمیت خانواده به دست زنان است و به دنبال آن موفقیت و آسودگی خاطر مرد نیز، به نوع رفتار و برخورد زن درون خانه بستگی دارد. بهترین و جامع ترین اسوه در این زمینه، حضرت فاطمه(س) است. برای شناخت لطایف و ظرایف جلوه های رفتاری حضرت و سیره ی عملی ایشان در برخورد با علی(ع) به بررسی فرازهایی از زندگی فاطمه(س) می پردازیم.

۱. عشق و محبت توأم با احترام به همسر؛ از اهداف مهم در ازدواج، آرامش و رابطه ی محبت آمیز میان زوجین است، برقراری روابط عاطفی، نقش مهمی در استحکام خانواده و حسن رابطه و سازگاری زن و شوهر دارد. خداوند در آیه ی ۲۱ سوره ی روم، به اصل وجود عشق و احساس محبت متقابل بین زن و شوهر اشاره فرموده:

از نشانه های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

یکی از عوامل مهم در تحقق عشق و محبت میان همسران بیان و اظهار آن است. چه بسا کسانی که در قلب محبت فراوانی نسبت به همسرشان دارند، ولی توانایی ابراز آن را ندارند. در حالی که گفتن جملاتی که حاکی از محبت زوجین نسبت به هم است در رفع بسیاری از تردیدها و سوء ظن ها مؤثر و بر میزان محبت آنان می افزاید: ائمه معصومین: هم به ابراز علاقه به همسر تأکید نموده اند و در سیره ی عملی ایشان این امر در موارد متعددی به چشم می خورد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: وقتی مرد به زن خود با محبت می نگرد و زنش نیز به او با مهر نگرد، خداوند به دیده ی رحمت به آن ها نگاه می کند.([۱۹])

در زندگی مشترک فاطمه(س) با علی(ع) عبارات و کلمات محبت آمیز بسیار است. فاطمه(س) با الهام از دستورات الهی و با دارا بودن درک صحیح از روابط زن و شوهر، همواره به همسر بزرگوارش عشق می ورزید و او را مورد محبت قرار می داد و در کلام خود علاقه و احترام را توأمأ در نظر داشت؛ گاهی او را

با کنیه ی ابالحسن صدا می کرد و گاه او را یابن عمّیسرعمو خطاب می نمود: جزاک الله عنی خیر
الجزاء یابن عم رسول الله. ([۲۰])

استفاده از نام مناسب و القاب زیبا برای خطاب همسر، باعث روابط مثبت و ایجاد محیطی آکنده از
صمیمیت می شود و سبب پیدایش زمینه ی عکس العمل و رفتاری، مناسب در طرف مقابل می شود.
حضرت علی(ع) فرموده اند:

اجملوا فی الخطاب، تسمعوا جمیل الجواب([۲۱])؛ خطاب هایتان را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید.

فاطمه(س)، در مقام اظهار محبت و علاقه به امام علی(ع) فرمود: روحی لروحک الفدا و نفسی لنفسک
الوقاء یا ابالحسن([۲۲])؛ علی جان، روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو.

عشق و محبت فاطمه(س) نسبت به همسرش به اندازه ای بود که در لحظات احتضار می گریست و به
علی(ع) می فرمود: ابکی لما تلقی بعدی([۲۳])؛ به خاطر آن چه [از مشکلات و سختی ها] که پس از من
به تو خواهد رسید می گریم.

۲. شناخت همسر و آشنایی با ابعاد روحی و شخصیتی او؛ از عوامل انس و الفت در خانواده و استحکام آن،
شناخت حالات و روحيات یکدیگر و درک متقابل است. در صورت درک صحیح روش و رفتار همسر،
طرف مقابل می تواند در برابر آن واکنش مناسبی نشان دهد و با شناخت موقعیت او راحت تر از خطاها و
لغزش های احتمالی همسرش گذشت کند، زیرا بسیاری از اختلاف ها ناشی از بدفهمی ها و سوء تفاهم ها
است.

فاطمه(س) در مدت کوتاه زندگی خود با علی(ع)، حقیقت وجودی و روحيات علی(ع) را می شناخت و
زمانی که دیگران از فهم و درک رفتار علی(ع) ناتوان بودند، فاطمه(س) آن ها را راهنمایی می کرد و با
خصوصیات رفتاری امام آشنا می ساخت.

در روایتی آمده است که یکی از اصحاب علی(ع)، او را در نخلستان در حالت راز و نیاز با معبود دید.
ناگهان مشاهده کرد که امیرالمؤمنین(ع) مانند چوب خشکی بر زمین افتاد، پس یقین کرد که علی(ع) از دنیا
رفته است. فوراً به درب منزل فاطمه(س) آمد تا او را با خبر کند. فاطمه(س) با شناختی که از روحيات

علی(ع) داشت، فرمود: الغیثه التي تأخذہ من خشية الله... [۲۴]؛ این حالتی است که به واسطه ی خوف و خشیت الهی بر او عارض شده است.

در پرتو شناخت فاطمه(س)، از همسرش بود که خانه ی محقر آن ها محل انس و آرامش علی(ع) قرار گرفته بود و امام علی(ع) می فرمود: ولقد كنت أنظر إليها فتتكشف عني الهموم والأحزان [۲۵]؛ هرگاه به چهره ی فاطمه(س) می نگریستم تمام غم و اندوهم برطرف می شد. این انس و الفت به حدی بود که اگر علی(ع) به خانه می آمد و زهرا(س) را نمی یافت، غم بر سینه اش سنگینی می کرد و بسیار بر او سخت می گذشت. [۲۶] بعد از شهادت فاطمه(س) نیز فرمود: به خدا سوگند، زهرا تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود برد مرا ناراحت نساخت و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند. [۲۷]

روشن است که موفقیت مردان در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و ... در گرو آسودگی خاطر و آرامش روحی و روانی است. این قاعده حتی در حیطه ی وظایف فردی مرد نیز جاری است، مانند تحصیل علم، عبادات فردی و ... پس زنان در این زمینه، مسئولیت ویژه ای دارند و باید با درک موقعیت و روحیات همسرشان، آن ها را در این امور یاری رسانند.

۳. پرهیز از تقاضای نامقدور؛ ریاست اقتصادی و مسئولیت هزینه های خانواده، بر عهده ی مرد است و او موظف است از نظر اقتصادی همسر و فرزندانش را تأمین کند. و این به دلیل نقش ویژه ی زنان در خانواده است. تا بتوانند آسوده خاطر به پرورش کودکان و انجام وظایف همسری بپردازند.

بنابراین درخواست لباس، زینت و لوازم منزل و امثال آن خواسته هایی است که معمولاً هر زنی به خود اجازه می دهد تا از همسرش طلب کند، اما فاطمه(س) همسرش را برای این تقاضاها و خواسته ها به زحمت نمی انداخت.

فاطمه(س) از رسول خدا(ص) آموخته بود که: هر زنی با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی بکشد که قدرت و توان آن را ندارد، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند بر او خشمناک است. [۲۸] به جهت شرایط خاصی که در زندگی مشترک و روحیه ی زن و شوهر وجود دارد، تقاضای امری که بر همسر مقدور نیست باعث احساس سرشکستگی و ناتوانی در او می شود که این احساس در حیطه زندگی تأثیر مطلوبی ندارد.

۴. قناعت و ساده زیستی؛ وارستگی و ساده زیستی هم، از نقاط برجسته ی حیات فاطمی است که در زندگی کوتاه حضرت نمودهای زیبایی داشته است. زهد و ساده زیستی حضرت، همیشه به معنای فقر و جبر روزگار نبود. خدیجه^۳، مادر بزرگوارشان هم با این که زن ثروتمندی بود، در راه خدا همه ی اموالش را انفاق کرد و خود در کمال سختی، اواخر عمر را در شعب ابی طالب گذراند. زندگی ساده ی فاطمه نیز حاصل انتخابی عارفانه و عاشقانه بود، گویی فاطمه(س) از همان آغازین لحظات ورود به خانه ی امیرالمؤمنین، با بخشش لباس عروسی این راه را برگزیده بود.

زمانی هم که پیامبر(ص) به دستور خداوند، فدک را در اختیار فاطمه گذاشت، سادگی و بی پیرایگی خانه ی او تغییری نکرد. در حالی که فدک سرزمین حاصل خیزی بود و تمام گندم مدینه را تأمین می کرد و فاطمه(س) تما درآمد آن را در راه رضایت معبود به مستمندان و مساکین انفاق می کرد. ([۲۹])

روزی پیامبر(ص) فاطمه را دید که پیراهن خشن و کم ارزشی پوشیده بود و با دست آسیاب می کرد و در همان حال فرزندش را شیر می داد، پیامبر در حالی که اشک می ریخت، فرمود: دخترم سختی های دنیا را تحمل کن تا به شیرینی و حلاوت های آخرت دست یابی. فاطمه(س) عرض کرد: ای رسول خدا! حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست در برابر نعمت های بی کران او. ([۳۰]) به همین مناسبت این آیه شریفه خطاب به پیامبر اکرم نازل شد: (ولسوف یعطیک ربک فترضی) ([۳۱])؛ پروردگار تو آن قدر به تو عطا می کند که خوشنود گردی.

سلمان، روزی به خانه ی دختر پیامبر(ص) می رود و می بیند که ایشان چادری کهنه و وصله دار به سر دارد سلمان متعجب و اندوهناک می شود و به یاد شاهزاده های ایرانی و شکوه و جلال آن ها می افتد، در حالی که یگانه دختر رسول خدا(ص) چادرش فرسوده است. گریه کنان می گوید: غم و اندوه بر ما باد، دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت های طلا می نشینند و پارچه های زربفت و حریر بر تن می کنند و این دختر محمد(ص) است که چادری ساده با دوازده وصله به سر دارد. ([۳۲])

بی شک بیان چنین صحنه هایی از زندگی دختر گرامی پیامبر(ص) و اسوه پذیری از آن حضرت به این معنا نیست که زنان جامعه ی ما، برای پیروی از فاطمه(س) چادر وصله دار به سر نمایند و یا تنها پوست گوسفندی، فرش خانه شان باشد؛ آن چه مهم است درک پیام این رفتارهاست و آن ساده زیستی و وارستگی از دنیاست. امروزه با گسترش وسایل رفاهی و تجملاتی، سطح زندگی افراد تفاوت های بسیاری با هم دارد

و چون استفاده ی یکسان و برخورداری از تمامی امکانات رفاهی برای همه مقدور نیست، زمینه بروز ناراحتی ها و تعارض در خانواده ها می شود. تنها راه پیش گیری از این مسایل هم، ساده زیستی و رضایت به داشته هاست. در غیر این صورت موازنه ی دخل و خرج در خانواده به هم می خورد و از نظر اقتصادی اعضای آن به زحمت می افتند.

فاطمه(س) به راستی نمونه ی کامل ساده زیستی و دوری از دل بستگی های دنیوی بود، بنابراین هرگز از سادگی خانه اش شرمگین نمی شد، نسبت به مهریه ی اندکش احساس پشیمانی نمی کرد و در تمام عمر شریفش از کمبودها شکایتی نداشت. در زیارت نامه ی حضرت می خوانیم: یا خلیفه الورع والزهد([۳۳])؛ ای هم پیمان با پارسایی و زهد.

۶. تقسیم کار در خانه فاطمه زهرا(س): از ویژگی های خانواده ی متعادل و موفق، تقسیم کار مناسب و منصفانه ی مسئولیت های موجود در خانه و خانواده است. وقتی اعضای خانواده به طور مشترک در کارها و مسئولیت های خانه سهیم باشند، کارها با عدالت توزیع می شود.

تقسیم کار در صورتی بر پایه ی عدالت است که به شئون و استعدادهای تکوینی زن و مرد توجه شود. در مورد زن، مهم این است که لطافت و ظرافت روحیه ی او، پوشیدگی و دوری نامحرمان و توانایی وی در انجام امور مورد توجه قرار گیرد. در زندگی فاطمه(س) و علی(ع) این تقسیم کار به بهترین شکل صورت گرفته بود. تقسیم کار را پیامبر اکرم(ص) پیشنهاد دادند، تدبیر کارهای منزل بر عهده ی زهرا(س) و اداره ی بیرون منزل بر دوش علی(ع) قرار گرفت.

و آن هنگام فاطمه(س) خوشحالی و رضایت خود را این گونه ابراز داشت: جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم؛ چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت.([۳۴])

رفتار با فرزندان

در کنار همسررداری، پرورش روحی و جسمی کودک از مهم ترین وظایف زن در خانواده است. از دیدگاه اسلام فرزند عطیه و موهبتی الهی است. فرزند پاره تن والدین([۳۵]) و گلی از گل های بهشت([۳۶]) و

باعث برکت و رحمت ([۳۷]) است. پس تربیت و پرورش فرزند و ساختن روح و شخصیت او از وظایف سنگین و مسئولیت های بزرگ والدین است که هرگز آن ها نمی توانند نسبت به آن کوتاهی نمایند.

از سوی دیگر نقش سازنده ی مادر در تعیین مسیر و سرنوشت کودک بسیار در خور توجه و امعان نظر است تا آن جا که نقطه آغازین سعادت و شقاوت انسان ها را دامن مادر و محیطی که مادر مهم ترین رکن آن است، دانسته اند: السعید من سعد فی بطن امه والشقی من شقی فی بطن امه ([۳۸])؛ سعادت و شقاوت انسان در شکم مادرش تعیین می شود.

با توجه به برخوردهای عاطفی و منطقی فاطمه(س) با کودکانش می بینیم که حضرت در پرورش روح و بنیان های شخصیتی فرزندانش به قدری با ظرافت و دقت عمل نمود که هر یک از فرزندان او از بزرگ ترین افراد بشر قرار گرفتند و صفحات بزرگی از تاریخ را ورق زدند و عملاً به الگوها و اسوه های مقاومت، ایثار، صبر و از خودگذشتگی و شجاعت... تبدیل شدند. پس روش تربیتی فاطمه(س) بهترین شیوه و روش برای ساختن نسلی سعادت مند و موفق است، هرچند در شکل گیری شخصیت فرزندان فاطمه(س) عامل وراثت از اهمیت ویژه ای برخوردار است اما عامل خانواده و شیوه های تربیتی و تعلیم و تربیت زهرا(س) به همراه پدر بزرگوارشان علی(ع) از تأثیر به سزایی برخوردار بوده است.

یکی از نیازهای اساسی کودک محبت و دوست داشتن است. عدم توجه والدین به این نیاز فطری باعث ایجاد کمبودها و مشکلات روانی خواهد شد، یکی از روان شناسان بر این مهم تأکید کرده و می نویسد: چنان چه کودک در اولین سال های زندگی خود از محبت محروم بماند، هسته اصلی و اساسی عصبیت و بیماری های روانی در وی تکوین می یابد و بعدها در بزرگ سالی منشأ بسیاری از درگیری های عاطفی و اضطراب عمیق در او می شود. ([۳۹]) بر همین اساس بسیاری از نابهنجاری های اجتماعی و بزهکاری های افراد در بزرگ سالی ریشه در خلأ عاطفی و کمبود محبت در دوران کودکی دارد و بیشترین امری که می تواند از نظر روانی این میل باطنی کودک به محبت را ارضا نماید، آغوش گرم مادر است؛ بنابراین اگر بخواهیم جامعه ای پاک و ارزنده داشته باشیم باید نقش اساسی مادران را مورد توجه قرار بدهیم زیرا بیشترین تأثیر را در فرهنگ سازی و ثبات و سلامت شخصیت بر عهده دارند. احساس محبت مادر به فرزند باعث ایجاد حس تعلق او به خانواده و مهربانی متقابل او به والدین می شود و فردی که از محبت سرشار

والدین بهره مند باشد هرگز در جامعه تحت تأثیر محبت سطحی و ساختگی افراد نالایق قرار نمی گیرد و به راه های نادرست کشانده نخواهد شد.

فاطمه(س) در عشق و ورزی و محبت به کودکان می تواند بهترین اسوه برای زنان باشد. او که خود از سرچشمه ی محبت و رحمت نبوی سیراب شده و همواره از طرف رسول خدا(ص) با جملاتی چون فداها ابوها، فاطمه بضعة منی خطاب شده بود و با بوسیدن ها و در آغوش گرفتن های پدر آشنا بود، خود در ایفای نقش مادری و عشق و محبت به فرزندان نمونه بود.

حضرت ۳ در روابط کلامی و محبت آمیز خود با خطاب مهربانانه فرزندان را یا قره عینی نور چشمم و ثمره فؤادیموه ی دلم صدا می کرد. ([۴۰]) همچنین به سفارش پیامبر(ص) بچه ها را دسته گل می دانست؛ قال رسول الله ۹ الولد ریحانه و ریحانای الحسن والحسین ([۴۱]) حضرت زهرا(س) رسیدگی و محبت به فرزندان را بر هر کار دیگری مقدم می داشت و معتقد بود که در نگه داری و پرورش فرزند، مادر نسبت به هر کس دیگری سزاوارتر است.

صاحب نظران مسلمان نیز با توجه به دیدگاه اسلام، بر اهمیت نقش مادری و اولویت آن نسبت به اشتغال تأکید کرده اند. برای نمونه امام خمینی(ره) با این که تأکید فراوانی بر مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه داشتند، اشتغال زنان را تا آن جا می پذیرفتند که به خانواده لطمه نخورد، زیرا زن را مربی جامعه می دانستند. ([۴۲])

پرورش روحیه عبادی در کودکان؛ یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا(س) در تربیت فرزندان به آن توجه داشتند، بُعد پرستش در فرزندان به انجام تکالیف الهی و عبادی بود. فطرت کودک براساس خداپرستی است. (فطرة الله التي فطر الناس عليها) ([۴۳])؛ خداوند صفت خداپرستی را در روح و ذات کودک قرار داده است. پرورش این فطرت و سرشت پاک بر عهده ی والدین است و اگر آن ها در این امر مسامحه نمایند راهزنان و منحرفان فکری سرشت پاک فرزندان را آلوده و منحرف می کنند. اما به طور یقین فردی که در کودکی با خضوع و خشوع در برابر خداوند آشنا شود و حلاوت و شیرینی عبادت را بچشد و محبوب واقعی و منبع حیات و قدرت را با عشق و شور بندگی بشناسد هرگز در جوانی جذب جلوه های دروغین دیگر مکاتب نمی شود.

فاطمه(س) دین باوری و شوق بندگی معبود را از اوان کودکی در جان و روح فرزندانش می دمید و روح خدا پرستی و توحید را در وجود آن ها تقویت می کرد تا آن جا که فرزندانش بالاترین لذت ها را در عبادت خداوند می دیدند. اگر امام حسین(ع) در لحظات پایانی حیات خود زیر ضربات تیر و شمشیر دشمنان نماز به پا می دارد جلوه ای از تربیت دینی فاطمه(س) را نشان می دهد.

البته در عبادت آن چه مهم است پیوند دائمی و همیشگی فرد با خدا و ناظر دانستن او بر اعمال است، حالات مادر مانند تضرع و خضوع در عبادت و زمزمه ها و لالایی های او مهم ترین عامل برای تدین فرزندان به شمار می رود؛ چون کودکان مقلدان خوبی هستند که همه چیز را تقلید می کنند، با استفاده از این زمینه در کودک می توان اعمال عبادی مثل نماز و روزه و انجام مستحبات را در آن ها نهادینه کرد. در قرآن چه اهتمام به عبادت و سفارش ن به اعضای خانواده در کنار هم ذکر شده اند. (و أمرُ اهلک بالصلاة واصطبر علیها) ([۴۴]).

بازی و تحرک در کودک؛ بازی و تحرک کودکان نیز در شیوه تربیتی فاطمه(س) مورد توجه قرار داشت تا آن جا که فاطمه(س) برای رشد و تکاپوی بیشتر کودکان خود با آن ها هم بازی می شد.

بازی های کودکانه که به نظر بی هدف وقت گذرانی بیهوده است در حقیقت نوعی تمرین و آموزش زندگی است. بازی در اجتماعی شدن و همانند سازی کودک با محیط نقش مهمی دارد و به کودک کمک می کند تا مهارت های اجتماعی را بیاموزد و آن ها را تحکیم بخشد و به صورت ابتدایی به کار گیرد، همچنین بازی باعث پرورش نیروی خلاقیت و ابتکار کودک می شود. پیامبر اکرم(ص) در کلامی شیوا می فرماید: من کان عنده صبی فلیتصاب له [۴۵] کسی که نزد او کودکی است باید به حالت کودک در آید با او هم بازی می شود. پیامبر(ص) با این کلام ارزش و اهمیت هم نشینی و بازی با کودکان را خاطر نشان می سازد تا مربیان و والدین علاوه بر این که از بازی ها و شیطنت های کودکان خود ناراحت و ناامید نشوند بلکه با آنان همراهی کنند. بازی با کودکان یکی از راه های اظهار محبت به آن هاست و آثار نیکویی دارد و علاوه بر نشاط و شادی کودک باعث رشد استعدادها و تلطیف احساسات او می شود و والدین می توانند در ضمن بازی با کودک نکات اخلاقی و ارزش های انسانی را به او بیاموزند. پیامبر(ص) با فرزندان فاطمه(س) هم بازی می شد. در روایت آمده است: روزی رسول خدا(ص) با دست و پا راه می رفت و

حسن و حسین ۸ بر پشت آن حضرت سوار بودند و رو به آنان می فرمود: بهترین مرکب، مرکب شماس است و شما بهترین سوار هستید. ([۴۶])

فاطمه (س) خود نیز با فرزندانش هم بازی می شد و در حین بازی با استفاده از الفاظ و حملات مناسب سعی در ساختن شخصیت کودکانش و ارائه الگویی مناسب در زندگی برای آن ها داشت. حضرت زهرا (س) با فرزندش امام مجتبی ۷ بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود:

إشبه أباک یا حسنَ واخلعَ عن الحق الوسن

واعبُد الهأَذا منن ولاتوال ذالاحن ([۴۷])

پسرم حسن مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق بر کن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت های متعدد است و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن.

رعایت عدالت در مورد فرزندان؛ دین اسلام در همه مسایل، مسلمانان را به عدالت توصیه نموده است: ... اغدُلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى... ([۴۸])؛ عدالت پیشه نمایید که به تقوا نزدیک تر است. رعایت عدالت و رفتار هماهنگ با کودکان نیز یکی از اصول تربیتی اسلام در مورد فرزندان است پیامبر اکرم فرموده اند: بین فرزندان با عدالت رفتار نمایید چنان که دوست دارید در نیکی و محبت به شما با عدالت رفتار نمایند. ([۴۹])

رعایت عدالت در بین فرزندان باعث جلب اعتماد فرزندان و عامل مهمی در تربیت صحیح آنان است، والدین می توانند نمودهای عدالت را در ابراز محبت، تأمین نیازهای مادی، گفتگو و مشاوره و هدیه و خرید و ... نسبت به فرزندان نشان دهند. تبعیض و مقدم داشتن یکی از فرزندان بر دیگران باعث ایجاد حس حسادت و نفرت در دیگر کودکان می شود و زمینه ای برای انحراف و لجاجت در کودک خواهد شد. به این جهت در روایات سفارش شده که والدین در بوسیدن فرزندان ([۵۰])، هدیه دادن ([۵۱]) و سایر اعمال خود بین فرزندان به مساوات رفتار نمایند. امام خمینی (ره) هم در تحریر الوسيله می فرماید: اگر هدیه دادن به فرزندی به جهت برتری او بر فرزندان دیگر باعث تحریک حسادت و کینه سایرین شود و فتنه برانگیزد حرام است. ([۵۲])

در برخورد فاطمه(س) با فرزندان نمونه هایی از رعایت این اصل مهم تربیتی به چشم می خورد. روزی امام حسن(ع) نزد پیامبر(ص) آمد و اظهار تشنگی کرد و از پیامبر(ص) تقاضای آب نمود. رسول خدا(ص) بی درنگ برخاسته، ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام حسن داد. در این هنگام حسین(ع) خواست تا ظرف شیر را از برادرش بگیرد. اما پیامبر به حمایت از امام حسن(ع) مانع گرفتن شیر شد. فاطمه(س) که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن(ع) برای شما عزیزتر از حسین است پیامبر(ص) فرمود: نه هر دو برایم عزیز و محبوبند، ولی چون اول حسن(ع) تقاضا کرد او را مقدم داشتم. [۵۳]

سخن فاطمه(س) به رسول اکرم(ص) نشانه اهتمام حضرت ۳ در عدالت و عدم تبعیض بین کودکان، قابل تأمل است. فاطمه(س) به قدری به رعایت اصل عدالت معتقد بود که به هنگام دآوری بین آن ها نیز این مسأله را رعایت می کرد تا مبدا یکی از آن دو رنجیده خاطر شود.

پرورش روحیه نوع دوستی و مواجهه با مشکلات؛ از دیگر روش های تربیتی فاطمه(س) ایجاد حس نوع دوستی و روحیه انفاق و بخشش در کودکان بود، در کتب حدیثی وارد شده که فرزندان فاطمه(س) همواره شاهد آن بودند که مادرشان به مردم کمک کرده و خود گرسنه می ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می کرد. [۵۴]

کمک و انفاق فاطمه(س) به مردم تنها در مسایل اقتصادی نبود، بلکه از نظر اخلاقی و ارشاد و هدایت مردم نیز به آن ها کمک می کرد و از این طریق اعمال نیک و عواطف پسندیده را به کودکان خود آموزش می داد. امام حسن(ع) می فرمایند: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت مشغول بود و مرتب مؤمنین و دیگران را دعا می کرد در حالی که هیچ دعایی برای خود نمی کرد پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنید، برای خودتان دعا نمی کنید فرمود فرزندم الجار ثمّ الدار [۵۵]؛ ابتدا همسایه سپس خانه.

فرزندان فاطمه(س) در مقاومت و مبارزه با مشکلات را هم از مادر آموخته بودند، بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) زمانی که فاطمه(س) برای بازپس گرفتن حق همسر مظلومش به احتجاج با خلفا پرداخت و در این راه سختی های روحی و جسمی فراوانی را به جان خرید، کودکان فاطمه(س) شاهد این ماجرا بودند. آن ها نیز به دلیل موقعیت های ویژه و خاص خود دشمنان و مشکلات زیادی در زندگی خود داشتند اما

هرگز در برابر سختی ها و ناکامی ها سر تسلیم فرود نیاوردند و تا پای جان به مقاومت پرداختند. می توان گفت بسیاری از این رفتارها در زندگی فرزندان زهرا(س) برگرفته از شیوه های تربیتی مادر بزرگوارشان بود.

در تاریخ آمده است روزی خلیفه دوم روی منبر بود. امام حسین(ع) که کودک خردسالی بود وارد مسجد شد و گفت از منبر پدرم پایین بیا. عمر گریه کرد و گفت: راست می گویی این منبر پدرتوست؛ نه منبر پدر من. ممکن بود کسانی تصور کنند، امام حسین(ع) در مجلس عمومی به دستور پدر بزرگوارش چنین گفته باشد، برای رفع این توهم حضرت علی(ع) از میان مجلس برخاست و با صدای بلند فرمود: به خدا قسم، گفته حسین از ناحیه من نیست، عمر نیز قسم یاد کرد و گفت یا ابالحسن راست می گویی، من هرگز شما را در گفته فرزندان متهم نمی کنم. ([۵۶])

او خوب می دانست که حسین(ع) در دامان چه کسی پرورش یافته است و نمونه این اعتراض ها را از جانب مادر او نیز دیده بود. زینب(س) دختر بزرگوار فاطمه(س) نیز با کرامت و شجاعتی که از مادر فراگرفته بود، بعد از عاشورا پیام شهیدان را زنده نگاه داشت و در مجلس یزیدیان با شکوه و ابهت به پاسداری از خون شهدا پرداخت. با وجودی که عزادار و مصیبت زده بود، هرگز در جایگاه ضعف قرار نگرفت و در بیان حوادث کربلا فرمود: ما رأیتُ الاً جمیلاً([۵۷])؛ جز زیبایی چیزی ندیدم.

پرسش و پاسخ: برخی افراد ادعا می کنند در الگوگیری و اسوه پذیری از شخصیت ها، زمان و مکان عامل مهم و تأثیرگذاری است. بنابراین بسیاری از اعمال و قالب های رفتاری اسوه ها ویژه همان عصر و زمان خودشان است و در زمان های بعد، برای دیگران قابل اقتدا و تأسی نیست به عنوان مثال افرادی که در سال های اولیه ظهور اسلام می زیستند، نمی توانند الگوی مناسبی برای جوانان امروز باشند.

در پاسخ باید گفت منظور از اسوه پذیری این نیست که همان قالب های رفتاری فرد الگو را مد نظر قرار داده و به همان شکل در زندگی به کار بریم. به عنوان مثال در سیره حضرت زهرا(س) می بینیم که جهیزیه حضرت در چند ظرف گلی و حصیری خلاصه شده بود و تا مدت ها فاطمه(س) و خانواده گرامی اش بر روی پوست گوسفندی زندگی می کردند که روزها شترشان روی آن علف می خورد و شب ها برای خواب از آن استفاده می کردند و یا چادری که زهرا(س) به سر می کرد از لیف خرما بود و وصله های متعددی داشت. امروزه به طور حتم نمی توان این گونه عمل نمود و در همان قالب و شکل رفتاری

حضرت، زندگی کرد، اما آن چه ارزشمند و قابل تأسی است، حقیقت و روح این رفتارهاست. محتوا و حقیقت این فرازها از زندگی زهرا(س)، ساده زیستی و روح بی‌اعتنایی به دنیا و پارسایی و دوری از تجمل‌گرایی است. هر یک از رفتارهای فاطمه(س) دارای حقیقت است که آن را به سادگی و با تحلیل و استنباط می‌توان در همه زمان‌ها و در همه ابعاد فردی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به کار برد.

البته رفتارهایی هم در سیره فاطمه(س) وجود دارند که عیناً قابل اقتباس و تقلید است مانند احترام به همسر و فرزندان و یا نداشتن تقاضای نامقدور و رفتار مناسب و مهرورزی به خانواده که روز به روز ارزش و اهمیت این اعمال برای همگان روشن‌تر می‌شود. پس الگوها منحصر به زمان و مکان نیستند و در همه اعصار می‌توان برای الگوگیری به آن‌ها مراجعه نمود.

پی‌نوشت:

[۱]. عوالم، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

[۲]. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

[۳]. حسین شیخ الاسلامی، مسند فاطمه الزهرا(س)، ص ۲۲۷.

[۴]. همان، ص ۲۷۳.

[۵]. بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۱۰۳.

[۶]. محمد جواد قیومی، صحیفه الزهرا(س)، ص ۴۹.

[۷]. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر نفرات الکوفی، ص ۵۵.

[۸]. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۹.

[۹]. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱.

[۱۰]. محمد دشتی، نهج الحیاء، ص ۲۹.

[۱۱]. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۲۴.

- [١٢]. همان، ص ٩٧.
- [١٣]. النور ٩ : ٢٦.
- [١٤]. مهدي نيلي پور، فرهنگ فاطميه، ص ١٣٧ و ١٣٨.
- [١٥]. اربلي، كشف الغمه، ج ١، ص ٣٥٩.
- [١٦]. شيخ طوسي، امالي، ج ١، ص ٣٨.
- [١٧]. دشتي، همان، ص ٣٥.
- [١٨]. حسن بن شعبه حراني، تحف العقول، ص ٦٠.
- [١٩]. نهج الفصاحه، حديث ٦٢١.
- [٢٠]. بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ١٩٢.
- [٢١]. هاشم رسولي محلاتي، غررالحكم، ص ٤٣٥.
- [٢٢]. حائري مازندراني، مهدي، كوكب الدرې، ج ١، ص ١٩٦.
- [٢٣]. بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ٢١٨.
- [٢٤]. ابن شهر آشوب، محمدعلي؛ مناقب آل ابى طالب، ص ١٢٤.
- [٢٥]. بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ١٣٤.
- [٢٦]. همان.
- [٢٧]. كشف الغمه، ج ١، ص ٤٩٢.
- [٢٨]. بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٤٤.
- [٢٩]. همان، ج ٢٩، ص ١٢٣.
- [٣٠]. همان، ج ٤٣، ص ٨٦.

- [۳۱]. الضحى ۹۳ : ۵ .
- [۳۲]. بحار الأنوار، همان، ص ۸۸ .
- [۳۳]. مفاتيح الجنان، زیارت نامه فاطمه زهرا(س).
- [۳۴]. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۳۱.
- [۳۵]. الولد كبد المؤمن، فرزند جگر گوشه مؤمن است، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.
- [۳۶]. الولد الصالح ريحانة من رياحين الجنة، همان، ج ۱۵، ص ۱۱۳.
- [۳۷]. بيت لا صبيان فيه لا بركة فيه، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۱.
- [۳۸]. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۵۷.
- [۳۹]. محمدرضا شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ص ۷۸.
- [۴۰]. مهدی پور نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، ص ۱۸۰.
- [۴۱]. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۸۱.
- [۴۲]. امیررضا ستوده، پا به پای آفتاب، ص ۱۷۲.
- [۴۳]. روم ۳۰ : ۳۰.
- [۴۴]. طه ۲۰ : ۱۳۲.
- [۴۵]. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۶.
- [۴۶]. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۶۵.
- [۴۷]. همان، ص ۲۸۶.
- [۴۸]. المائده ۵ : ۸ .
- [۴۹]. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۱.

[۵۰]. كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۵.

[۵۱]. همان، ص ۴۴۴.

[۵۲]. امام خمینی (ره)، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۶۱.

[۵۳]. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۸۳.

[۵۴]. همان، ج ۴۱، ص ۳۴.

[۵۵]. همان، ج ۴۳، ص ۸۱.

[۵۶]. فرهنگ جامع سخنان امام حسين (ع)، گروه حديث پژوهشكده باقرالعلوم، ص ۱۴۵.

[۵۷]. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.